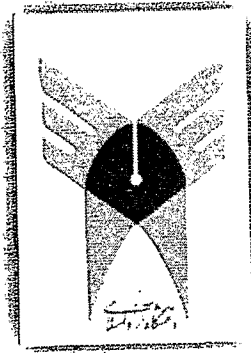


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الف

١٣٧٩.٤



دانشگاه آزاد اسلامی  
واحد شاهرود

دانشکده علوم انسانی، گروه تاریخ  
پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد «M.A.»

گرایش: تاریخ (ایران دوره اسلامی)

عنوان:

اندیشه های میرزا یوسف خان مستشارالدوله تبریزی

استاد راهنما:

دکتر نصرآ... بیات

استاد مشاور:

دکتر محسن رحمتی

۱۳۸۹/۳/۱۷

نگارش:

شکوفه رشنو

تسبیح درازک

زمستان ۸۷

ب

۱۳۷۹۰۴



دانشگاه آزاد اسلامی

واحد شاهرود

دانشکده علوم انسانی، گروه تاریخ

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد «M.A.»

گرایش: تاریخ ایران دوره اسلامی

عنوان:

اندیشه های میرزا یوسف خان مستشار الدوله تبریزی

نگارش:

شکوفه رشنو

زمستان ۱۳۸۷

۱- دکتر نصر الله بیات

۲- دکتر محسن رحمتی

۳- دکتر حمید مشعوف

هیأت داوران:

## سپاسگزاری

من به سر چشمه خورشید نه خود بردم راه

ذره ای بودم و مهر تو مرا بالا برد

سپاس به پیشگاه حضرت دوست که هر چه هست از اوست

سپاس از راح روحم پدرم

سپاس از خیمه خوبی ها مادرم

سپاس از اساتید بزرگوارم: دکتر حمید مشعوف، دکتر محمدنبی سلیم و دکتر محمدعلی علیزاده.

و سپاس از عزیزانی که اگر حضور ایشان نبود راه به جایی نمی بردم.

نامشان زمزمه نیمه شب مستان باد

تا نگویند که از یاد فراموشانند

تقدیم به

سفرکردگان به سرزمین خوبی ها

پدر بزرگم حاج آقا کاکاوند

مادر بزرگم حاجیه خانم مرادی

بزرگ استاد زندگیم ه. شریعتی

یادشان گرامی باد

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	چکیده
۲	مقدمه
	فصل اول: زمینه های شکل گیری اندیشه تجدد در ایران
۶	۱-۱- روشنفکری
۶	۱-۱-۱- روشنفکر
۸	۲-۱-۱- ویژگی روشنفکر از نظر اندیشمندان
	۲-۱- روند روشنفکری در ایران
۱۲	۱-۲-۱- پیدایش روشنفکری
۱۴	۲-۲-۱- پیدایش جریان روشنفکری در ایران
	۳-۱- سرآغاز اقدامات تجددگرایان در ایران
۱۷	۱-۳-۱- مروری کوتاه بر ایران عصر ناصری
	۴-۱- اقدامات اصلاح گرایانه
۱۸	۱-۴-۱- عباس میرزا
۲۰	۲-۴-۱- امیرکبیر
۲۲	۳-۴-۱- سپهسالار
۲۴	۵-۱- روزنامه و مطبوعات
۲۷	۶-۱- نتیجه
	<b>فصل دوم: زندگینامه و آثار مستشارالدوله تبریزی</b>
۲۹	۱-۲- تکاپوهای اولیه تا آخرین روزهای زندگی
۲۹	۱-۱-۲- تولد
۳۰	۲-۱-۲- ورود به دستگاه حکومتی
۳۴	۳-۱-۲- تبعید به خراسان
۳۶	۵-۱-۲- مبارزه برای یک واژه
۳۸	۶-۱-۲- آخرین تکاپو (سرانجام مستشارالدوله)
۴۵	۲-۲- آثار و تالیفات

۵۱	۳-۲- دوستان و همفکران مستشارالدوله
۵۴	۱-۳-۲- تاثیر زندگی اجتماعی در غرب بر مستشارالدوله
۵۵	۲-۳-۲- فعالیت در روزنامه
۵۷	۳-۳-۲- عضویت در فراماسونری
۵۸	۴-۲- نتیجه
	<b>فصل سوم: بررسی اندیشه های میرزا یوسف خان مستشارالدوله تبریزی</b>
۶۰	۱-۳- یک نامه (تلاش برای یک واژه)
۶۶	۱-۱-۳- رئیس افکار
	۲-۳- بررسی اندیشه های مستشارالدوله
۶۷	۱-۲-۳- قانون
۶۹	۲-۲-۳- تفاوت قانون فرانسه و قانون اسلام
۷۰	۳-۲-۳- حکومت و وظایف آن در برابر ملت
۷۴	۴-۲-۳- اندیشه مستشارالدوله درباره سلطنت
۷۶	۵-۲-۳- تفکیک قوا
۷۷	۶-۲-۳- ناسیونالیسم
۷۸	۷-۲-۳- غرب (تحلیلی نو از ماهیت دول اروپایی)
۷۹	۸-۲-۳- آزادی
۸۰	۹-۲-۳- اصلاح الفبا
۸۱	۱۰-۲-۳- اسلام شناسی مستشارالدوله
۸۳	۳-۳- نتیجه
۸۴	نتیجه گیری
۸۷	فهرست منابع و مأخذ
۹۱	چکیده انگلیسی

## چکیده:

طلوع تجدد در ایران به آشنایی شماری از فرنگ رفتگان و تحصیل کردگان ایرانی با لیبرالیسم غربی برمی گردد. ایران، با توجه به پیشینه تاریخی خود دارای حکومت‌های خودکامه بود. از طرفی اصول و موازین بنیادی دینی که قادر باشد گهگاه وضعیت لجام گسیختگی دولتها را مهار نماید و تصمیمات خود سرانه مستبدان را محدود کند وجود نداشت. در قرون ۱۲ و ۱۳ به تدریج چشم و گوش ایرانیان عمدتاً از طریق روابط خارجی با دولتهای روسیه، انگلیس و فرانسه که در زمینه قدرت، رفاه پیشرفت قابل توجهی داشتند گشوده شد و این به منزله آغاز پیشرفت و ترقی ملت ایران بود. بدون شک افرادی مانند امیر کبیر، میرزا یوسف خان مسشتارالدوله و میرزا حسین خان سپه سالار وجود داشتند که در نشر افکار آزادی و قانونگذاری گامهای بزرگ و اساسی برداشتند. میرزا یوسف خان از معدود نخبگانی بود که اندیشه حکومت ملت بر ملت را پیشنهاد کرد. در نهایت هدف وی ایجاد مجلس و حق رأی و انتخاب نمایندگان توسط مردم بود. وی خواستار ایجاد قوانین اساسی مبتنی بر قوانین عرفی و شرعی است.

در بررسی اندیشه های وی ایجاد مدارس جدید، اصلاح خط الفبا، تفکیک قوا و... از جمله راهکارهای اساسی در ایجاد اصلاحات در مملکت بود که در نهایت منجر به ایجاد عدالت اجتماعی در جامعه می گردید.



## مقدمه :

نخستین تحولات فکری نسبت به جامعه و اندیشه های انتقادی در باره قدرت حاکمه در نتیجه تماس ایرانیان با تمدن غرب پدیدار شد. نشانه های فراگیری و تأثیر تمدن غرب را در نوشته ها و آثار متفکران ایران قرن ۱۹ میتوان مشاهده کرد.

بطور کلی تحولات فکری نو از راه مسافرت، ترجمه کتب و نشریات و ایجاد نهادهای آموزشی جدید به وجود آمد. سلسله جنگها و مبارزات ایران در دوره قاجار و ورود ایران به حوزه سیاست های جهانی باعث شد که دربار قاجار -نمایندگانی را برای ماموریت های سیاسی به کشورهای اروپائی مانند انگلیس، فرانسه و همچنین کشورهای روسیه و عثمانی گسیل نماید.

البته این ثمره تلاشهای اصلاحگرایانه بزرگمردانی مانند عباس میرزا، امیر کبیر، سپهسالار بود. این ماموریتها با حیرت و شگفتی فرستادگان همراه بود. مأمورین ایرانی با صنایع، دانشگاهها و مراکز اجتماعی و سایر مدنیت غرب آشنا می شوند. و در مقایسه با دنیائی که از آن آمده بودند چیزی جز حسرت و احساس خواب ماندگی به آنها دست نمی داد. روشنفکران ایرانی از جمله برخی دولتمردان میهن پرست جویای یافتن کلید این راز بزرگ و شگفت انگیز بودند. مدرسه دارالفنون نخستین اقدام بزرگی از لحاظ تربیت جوانان برومند ایرانی به شمار می روند. از دید روشنفکران آن زمان قانون مهم ترین کلید پیشرفت بود و قانون در وهله نخست به معنای وجو حکومت مسئول و نظام مند بود و تنها بعدها به معنای آزادی گرفته شد.

هدف پژوهش :

مقدمات شروع نهضت فکری مشروطه از دوران سلطنت ناصرالدین شاه آغاز می گردد که طی آن توجه به آزادی و آزادی خواهی محدود کردن اختیارات شاه و جلوگیری از حکومت مطلقه رفته رفته شکل جدی تری به خود گرفت. انتشار عقاید گروهی از متفکران و روشنفکران در این دوره و همچنین پیدایش افراد مختلف در بیداری ایرانیان اثر عمیقی گذاشت. میرزا یوسف خان مستشارالدوله نمونه ای بارز برای دگر گونی اوضاع نابسمان گذشته بود. استبداد سخت در ایران دوره ناصری و هجوم افکار غربی که ناشی از فرستادن دانشجویان ایرانی به فرنگ و آشنائی با نشریات خارجی بود زمینه تغییر فکر و نظر او را نسبت به وضع موجود در ایران فراهم آورد.

بررسی اندیشه و پیشنهادات او موضوع مهمی به شمار می آید که جای بحث و پژوهش را دارد. در این پژوهش بر آنیم ضمن بررسی زندگی و آثار و اندیشه های میرزا یوسف خان مروری کوتاه نیز بر چگونگی ایجاد تجدد در ایران داشته باشیم.

## پرسش ها و فرضیات

۱- آراء و اندیشه های روشنفکران در عصر قاجار در چه بستری رشد کرده است؟

۲- مستشارالدوله به عنوان روشنفکر عصر قاجار چه تأثیری در افکار زمان خود داشته است؟

روشنفکران عصر قاجار و بخصوص مستشارالدوله تأثیر بسزایی از فرهنگ غرب دریافت کردند مستشارالدوله در حد امکان سعی کرده تا افکار خویش را بر مبنای دین و مدرنیته غرب پایه گذاری و یک هماهنگی بین این دو ایجاد کند.

## پیشینه تحقیق

در مورد میرزا یوسف خان مستشارالدوله جای بحث و گفتگو بسیار است ولی متأسفانه تاکنون پژوهشی مستند و جامع در مورد این روشنفکر آزادی خواه صورت نگرفته است بیشتر افکار او را می توانیم در کتاب "یک کلمه" که نوشته خود اوست پیدا کنیم.

علاوه بر آن آثار دیگری نیز در مورد او به صورت مجزا به رشته تألیف در نیامده است و اکثر کسانی که نامی از او برده اند به شرح مختصری از زندگی و آثار و عقاید او پرداخته اند و به صورت کامل تحلیل مبسوطی در این زمینه ارائه نداده اند. مهذا نگارنده در این بین سعی داشته با رعایت تمامی نکات مورد نظر انجام تحقیق با بضاعت اندک و بهره گیری از منابع قابل دسترسی به این مهم اقدام نماید و با وجود دقت در گزینش مطالب به وجود نواقصی در کار خود مطلع است. معرفی مهمترین کتاب های مورد استفاده:

۱- یک کلمه: نوشته میرزا یوسف خان مستشارالدوله تبریزی که به طور کامل افکار خود را در این کتاب در مورد قانون، آزادی، حاکمیت بیان کرده که این کتاب برگرفته از قانون فرانسه می باشد.

۲- خاطرات حاج سیاح: این کتاب شرح مبسوطی از خاطرات محمد علی سیاح محلاتی می باشد که وی در دوران تبعید میرزایوسف خان با او مروده داشته است و شرح کامل دوران تبعید و شکنجه میرزا یوسف خان و شرایط آن زمان ایران عصر قاجار بیان شده است.

## تدوین این رساله

در سه فصل صورت پذیرفت:

فصل اول: زمینه های شکل گیری اندیشه تجدد در ایران به صورت مختصر مورد پژوهش قرار گرفته است.

فصل دوم: با عنوان زندگی نامه و آثار مستشارالدوله تبریزی به شرح کامل زندگی وی پرداخته شده است.

فصل سوم: به بررسی اندیشه های میرزایوسف خان و رؤوس افکار او پرداخته می شود.

در خاتمه تذکر این نکته لازم است چنانچه مفاد و مطالب رساله حاضر مورد توجه ارباب فضل و دانش و محققین قرار گیرد، باید آن را ناشی از حسن ارشاد و نتیجه هدایت فاضلانه و ژرفنگرانه استادان عالیقدر جناب آقای دکتر نصرالله بیات به عنوان استاد راهنما و جناب آقای دکتر محسن رحمتی به عنوان استاد مشاور دانست که در تمام موارد نگارنده را راهنمایی و مشاوره فرمودند و رهنمون بوده اند.

از کلیه کسانی که در نگارش این تحقیق یاریم داده اند تشکر می نمایم، همچنین از مسئولین محترم سازمان مطالعات تاریخ و معاصر کتابخانه آستان قدس رضوی، کتابخانه آستان دانیال نبی، و دیگر مراکز تشکر و قدردانی نمایم. امیدوارم اغلاط و لغزش هایی که یحتمل کم هم نیستند جایی برای قبول این پژوهش باقی گذارند.

شکوفه رشنو

زمستان ۸۷

## فصل اول

### زمینه های شکل گیری اندیشه تجدد در ایران

۱-۱ روشنفکری

۱-۱-۱ روشنفکر

۲-۱-۱ ویژگی روشنفکر از نظر اندیشمندان

۲-۱ روند روشنفکری در ایران

۱-۲-۱ پیدایش روشنفکری

۲-۲-۱ پیدایش جریان روشنفکری در ایران

۳-۱ سرآغاز اقدامات تجددگرایانه در ایران

۱-۳-۱ مروری کوتاه بر ایران عصر ناصری

۴-۱ اقدامات اصلاح گرایانه

۱-۴-۱ عباس میرزا

۲-۴-۱ امیرکبیر

۳-۴-۱ سپهسالار

۵-۱ روزنامه و مطبوعات

۶-۱ نتیجه

## زمینه های شکل گیری اندیشه تجدد در ایران

### ۱-۱ روشنفکری

#### ۱-۱-۱ روشنفکر:

واژه روشنفکر که به گردان فارسی کلمه انگلیسی "intellectual" است. ریشه در کلمه لاتینی "intellegere" دارد که به طور تحت الفظی به معنای ((خواندن میان)) است، یعنی توانایی خواندن میان امور واقع و ادراکات زندگی روزانه.<sup>۱</sup>

این کلمه به معنای شناختن و به منزله شناخت فراگیر است که به مدد عقل نقاد از واقعیات فراتر می رود و کار خود را با پرسشگری آغاز می کند. اما چه مفهومی در پس واژه ترکیبی روشنفکر نهفته که این چنین مصطلح شده و ترکیباتی چون روشنفکر دینی و روشنفکر بومی و غیره را نیز به دنبال خود آورده است.<sup>۲</sup>

حقیقت آن است که وجه بارز اندیشمندانی که در جنبش روشنگری مشروطیت مشارکت داشتند، آن بود که این اندیشه وران، در پرتو علوم جدید، قضایای فلسفی و اجتماعی و سیاسی و غیره را روشنتر از گذشتگان می دیدند یا دست کم خود چنین گمان می کردند. در زبان انگلیسی، این اندیشه وران را "Enlightened" یعنی روشن شده توصیف می کنند. این کلمه را نمی توان به روشنگر تعبیر کرد. در زبان فرانسه این روشن شدگان را "Lumieres" می نامند. این کلمه در وهله اول به معنای منبع نور یا چراغ است، ولی معنای دیگر آن، که به بحث ما مربوط است شخص هوشمند یا داناست و منظور از روشنی هم چیزی جز روشنی اندیشه نیست.

نخستین روشنیایان ایرانی در انتقال دریافت های تازه خود از فرهنگ اروپایی به زبان فارسی، به تمایز میان روشن اندیشی و روشنگری توجه داشته اند به همین جهت "Lumiere" فرانسوی و "Enlightened" انگلیسی را منور الفکر ترجمه می کردند. منور الفکرهای ایرانی هم که نخستین افرادشان در دهه پیش از انقلاب مشروطه. در افق شمالی سرزمین ما ظاهر می شوند، مانند هم نامان فرانسوی خود گمان می کردند که در برابر نوعی طرز تفکر تاریک و

۱- عیوضی: سیر جریان روشنفکری در ایران و عملکرد آن در رویارویی با غرب، ص ۷

۲- تیلش: دین و ناقدان روشنفکر آن، ترجمه محمد سعید حنایی کاشانی، ص ۴

منسوخ و نوعی نظام حکومتی منحط و ستمگر سر به شورش بر داشته اند و البته تنویر افکار یا روشنگری را هم وظیفه خود می دانستند.<sup>۱</sup>

کلمه جاری روشنفکر، در واقع صورت فارسی شده منور الفکر صدر مشروطه است که در پی تغییر ذائقه فارسی زبانان و ترجیح واژه های فارسی به جای عربی ساخته و منشأ و مبدأ آن به مرور زمان فراموش شده و هر کسی کوشیده است خود را روشنفکر معرفی کند.

جلال آل احمد درباره واژه روشنفکر می نویسد: ((روشنفکر تعبیری است که نمی دانم کی و کجا و چه کسی آن را به جای "intellectual" گذاشته و این البته که ما به ازایی غلط، ولی مصطلح شده است. پس بگوئیم یک غلط مشهور کلمه "intellectual" در زبان های فرنگی از اصل "intellectualis" لاتین آمدن که نوعی اسم مفعول است به معنای ترکیبی صفت مانند "intelligere" که مصدری است لاتینی که به معنی فهمیدن، درک کردن، یا هوشمندی، ناچار به جای "intelligere" که مصدری فارسی هوشمند یا فهمیده را می گذاشتیم. با توجه به مفهوم اجتماعی کلمه هدایت خاصی که در آن است از رهبری و پیشوائی، بایست برگزیده یا فرزانه یا پیشاهنگ را به جای می گذاشتیم)).<sup>۲</sup>

تلقی دیگر از مفهوم روشنفکر، مربوط به طرز تلقی روسی از مفهوم روشنفکری است. این تلقی، روشنفکر را به عنوان پیشتاز فکری و سیاسی جامعه می شناسد و به عبارت دیگر، برای آن نوعی رسالت و کارکرد هدایتگر قائل است. این تعبیر در اساس یک نگرش مارکیستی - روسی به مقوله روشنفکری است.

در آن زمان در روسیه (۱۸۶۰ م) روشنفکر به اعضای محافظی گفته می شد که تعلق اصلی ایشان به حرفه تخصصی یا طبقه خود نبود. بلکه در آرمان ها و انگاره های معنی چون اعتقاد به انقلاب و مارکیسم، همگونی و اشراک داشتند. مارکیسم لنینی و انقلاب بلشویکی ۱۹۱۷ روسیه، پیامد مستقیم این فضای فکری بود و با گسترش جنبش های مارکیستی، این مفهوم از روشنفکری در اروپای غربی و سایر نقاط جهان رواج یافت و در ایران نیز از دوران مشروطه، باب شد. تلقی روسی - لنینی از مفهوم روشنفکری در ایران تا به امروز پا برجاست.<sup>۳</sup> چنانکه می بینیم کلمه خوش ساخت روشنفکر در عمر کوتاه خود به تعارض معنوی دردناکی دچار شده است. از یک طرف معادل "intellectual"

۱- کاسیوز؛ فلسفه روشن اندیشی، ترجمه نجف دریابندری، ص ۲۸

۲- جلال آل احمد؛ در خدمت و خیانت روشنفکران، ص ۱۹ - ۲۰

۳- قزلسفلی؛ قرن روشنفکران، ص ۱۶۲

فرانسوی است که کلمه ای است خنثی و به هر اندیشه و متدین و غیر متدین اطلاق می شود و از طرف دیگر جانشین منور الفکری صدر مشروطه است که با تدین، به ویژه صورت قشری، آن مغایرت دارد<sup>۱</sup> و با نگرش مارکیستی، روشنفکر را صاحب رسالت در جامعه می داند. کلمه روشنفکر اکنون در نوسان میان دو قطب قرار دارد تا در آینده به کدامین سو گرایش پیدا کند.

## ۱-۱-۲- ویژگی های روشنفکر از نظر اندیشمندان:

روشنفکری از لحاظ تاریخی و تئوریک و در معنای اصطلاحی، پدیده ای با لذات غربی و محصول و نتیجه رویکرد اومانیستی بشر به عالم و آدم است. بینش روشنفکری از لحاظ نظری عبارت است از بیان منسجم و فرموله شده آرای اومانیستی که در قالب جهان نگرى عصر روشنگری، تمامی حوزه های علوم طبیعی، اخلاقیات، سیاست، حقوق و دین را تحت سیطره فکری خود درآورده بود.<sup>۲</sup>

به همین اساس، ولتر معتقد بود که روشنفکران به ساخت فرهنگ عمومی کمک می کنند و به مباحث و داوری ها در جامعه جان می بخشد و پیش فرض های حاکم بر جامعه را، خواه این پیش فرض ها در حیطه سیاست باشند یا در حوزه دانش و معرفت، به چالش می کشند و در واقع به دیگران کمک می کنند تا نظاره گر حقیقت شوند. از نظر او، روشنفکران به عنوان خرد ورزان و منتقدان، از نشانه های جامعه مدرن هستند و آن را به سوی پیشرفت علمی و اصلاحات هدایت می کنند ((کسانی شایسته احترامند که با قدرت حقیقت بر مردمان حکومت می کنند نه کسانی که با خشونت آنها را برده خود می سازند)).<sup>۳</sup>

ماکس وبر نیز به هنگام سخن گفتن از مسئولیت های روشنفکر بر دو وظیفه متفاوت او انگشت می گذارد. ابتدا اینکه روشنفکر باید متکی به ((مبادی اعتقادی اصولی)) باشد که به معنای پیاده کردن اعتقادات بی توجه به نتایج و هزینه های آن و در واقع، تعهد اخلاقی بی ملاحظاتی فردی است و از سوی دیگر باید احساس مسئولیت کند.<sup>۴</sup>

۱- تیلیش: دین و ناقدان روشنفکر آن، ص ۳۱

۲- دهشیار: اطلاعات سیاسی-اقتصادی، ص ۵

۳- همان، ص ۶

۴- سعید: نقش روشنفکر، ترجمه حمید عضداللو، ص ۲۸

آنتونیو گرامشی، مارکسیت، عمل‌گرا، روزنامه‌نگار و یکی از فیلسوفان ارزشمند سیاسی ایتالیا که بین سال‌های ۱۹۲۶ و ۱۹۳۷ م در زندان موسیلمینی به سر می‌برد. در یادداشت‌های زندان خود می‌نویسد: ((می‌توان گفت که اکثر روشنفکرها نقش واقعی خود را در جامعه ایفا نمی‌کنند.))

گرامشی معتقد است که ایفاگران نقش روشنفکر در جامعه را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد:

۱- روشنفکران سنتی مانند: مدرسین، کشیش‌ها، مدیران و کارگزاران که کارشان از نسلی به نسل دیگر تداوم می‌یابد.

۲- روشنفکران ارگانیک هستند که در نظر گرامشی در پیوند مستقیم با طبقات یا تشکیلاتی هستند که روشنفکران را برای سازمان دادن خواست‌ها، کسب قدرت و مهار دامنه دارت‌تری به کار گرفته‌اند.<sup>۱</sup>

سیمون مارتین لیپست، یکی از روزنامه‌نگاران آمریکای درباره مفهوم روشنفکر می‌نویسد: ((به عقیده ما روشنفکران کسانی هستند که یا در زمینه فرهنگ جامعه فعالیت می‌کنند و یا موجب پیدایش آن می‌شوند، یا فرهنگ را در متن جامعه به کار می‌گیرند و یا آن را توزیع می‌کنند.))

مقصود از فرهنگ دنیایی است از اشارات و علائم که حاوی علوم، هنر، مذهب و... است و روشنفکران در حیطه آن به دو گروه مختلف تقسیم می‌شوند:

۱- موجب پیدایش فرهنگ هستند. از جمله عالمان، هنرمندان و نویسندگان و علاقه‌مندان به مطبوعات و روزنامه‌نگاران.

۲- در دسته دوم کسانی قرار دارند که به توزیع و نشر دستاوردهای گروه اول مشغولند. اینان دست‌اندر کاران هنرهای مختلف، از جمله آموزگاران و روزنامه‌نویس‌ها هستند.

البته دسته سوم نیز هستند که در حاشیه قرار دارند و به دلیل خصایص خود در زمره روشنفکران قرار می‌گیرند. اینان کسانی هستند که فرهنگ را به شکلی قابل قبول<sup>۲</sup> به صورت پیشه و کار خود در می‌آورند. پزشکان، وکلا و سایر اعضای مشاغل آزاد در این گروه جای دارند.<sup>۲</sup>

۱- همان، ص ۳۶

۲- عیوضی: سیر جریان روشنفکری در ایران و عملکرد آن در رویارویی با غرب، ص ۲۳ - ۲۴



طبق نظریه لیسپت، روشنفکری مقوله ای است جامعه شناختی که بر اساس آن روشنفکران گروه یا گروه های اجتماعی معینی هستند که بر پایه اشتراک در نوع حرفه خود از سایر گروه های اجتماعی متمایز می شوند. این تعریف از روشنفکر هیچ نوع موضعگیری سیاسی خاص ارتجاعی یا مترقی، محافظه کار یا انقلابی قائل نیست و صرفاً روشنفکران را بر اساس کارکردهای اجتماعی شان شناسایی و تبیین می کند.

در این مفهوم، روشنفکر به اعضای گروه های اجتماعی معینی اطلاق می شود که به حرفه های فکری اشتغال دارند و کارکرد اصلی ایشان آفرینش و تولید فکر و امور مرتبط با این حوزه است. لذا اگر بخواهیم کارکرد یا رسالتی را برای روشنفکر قائل شویم، همان تولید فکری است.<sup>۱</sup>

ادوارد سعید، متفکر فلسطینی تبار آمریکایی نیز معتقد است:

((روشنفکر فردی است با یک قوه ذهنی وقف شده برای فهماندن، مجسم کردن و تبیین یک پیام، یک نظریه،

یک رویه، فلسفه یا اندیشه، هم برای همگان و هم به همگان))<sup>۲</sup>

روشنفکر به یک اصلاح و نه یک سازنده وفاق عمومی است. روشنفکر کسی است که همه هستی اش به یک

تشخیص و تمیز انتقادی موقوف است؛ تشخیصی که حاضر به قبول فرمول های ساده، عبارت های پیش پا افتاده یا یکنواخت و در واقع همسازی با آن چیزی نیست که قدرت یا سنت می گیرد و باید انجام داد))<sup>۳</sup>

جلال آل احمد در کتاب در خدمت و خیانت روشنفکران در باب مفهوم روشنفکر می نویسد:

((روشنفکر آزاد از قید تعصب یا تحجر مذاهب و نیز آزاد از تحکم و سلطه قدرت های روز، خود را مسئول زندگی

خود و دیگران می داند. نه لوح ازلی و علم تقدیر را، به تعبیر دیگر، روشنفکری هم از حقوق و هم از وظایف (هم مزد و

هم شغل دسته خصوصی از مردم است که فرصت ورود به لاهوت و ناسوت را دارند))<sup>۴</sup>

از منظر جلال آل احمد جریان روشنفکری با پیش کشیدن اصل آزاد اندیشی به افکار و پیام حیاتی و سعادت

اخروی می پردازد و این دقیقاً واکنش روشنفکران عصر روشنگری در برابر سطه دینی و دنیای کلساست که برای نمدن

و فرهنگ غرب بسیار پر ثمر بود و بندهای خرافه پرستی و ظلمانی قرون وسطی را از پای آن باز کرده اما همین تلقی

۱- قزلسفلی: قرن روشنفکران، ص ۱۶۷

۲- سعید: نقش روشنفکر، ص ۲۵

۳- همان، ص ۴۳

۴- آل احمد: در خدمت و خیانت روشنفکران، ص ۳۲

در گسترده تاریخ و فرهنگ ایران به نفی بخش اعظم فرهنگ جامعه که آموزه های دینی باشد انجامید. به همین خاطر جلال آل احمد چه صراحتاً و چه تلویحاً، روشنفکران را خائن به تعالیم دینی و فرهنگ و تمدن کهنسال این مرز و بوم می داند.<sup>۱</sup>

رضا داوری اردکانی، اندیشمند معاصر، در خصوص روشنفکر می گوید:

((روشنفکر با مقاصد سیاسی، در فلسفه و ادبیات وارد می شود، ولی معمولاً نه فیلسوف است و نه شاعر حقیق و اگر به فلسفه و شعر می پردازد، اولاً تلقی ایدئولوژیک دارد و ثانیاً چون به عمق فلسفه نمی رسد، التقاطی است و پیداست که آثار توجه ایدئولوژیک و التقاطی به فلسفی، در عین حال که نشانه پریشانی و پراکندگی عقل و خیال است، در قول و فعل نیز موجب پریشانی و پراکندگی بیشتر می شود. کسی که از جنبه ایدئولوژیک به فلسفه نظر می کند. فلسفه را نمی فهمد و آن را مبتذل می کند، ولی روشنفکر به این معانی اهمیت نمی دهد. او در باب عمل ساینسی حرف می زند و حقیقت وجود او این است که دور از نظر و عمل جدی به تبلیغ و توجیه سیاست زدگی بپردازد.))<sup>۲</sup>

دکتر عبدالکریم سروش می گوید:

((در تعریف روشنفکر گفته اند:

روشنفکر کسی است که آگاه است و مردم را نیز آگاه می سازد و یا فرهنگ شناس معترضی است که بیرون از نظام قدرت می ایستد و قولاً و عملاً بر آن می شورد و یا کسی است که فاقد نظام ارزشی و دینی و فکری و حکومتی حاکم است. این تعریف عصاره بحث های مبسوط و حاوی نزاع هایی است که میان روشنفکران جاری بوده و هست به وضوح احساس می شود که این تعریف ها نه جامع است و نه مانع))<sup>۳</sup>

سپس دکتر سروش به بیان خصایص روشنفکری و ابزار و لوازم آن می پردازد و راز دانی را مهم ترین آگاهی برای روشنفکری و آنرا گوهر روشنفکری می داند. به تعبیر او، رازدانی عبارت است از:

((شرح صدر، آگاهی به راز زندگی غفلت آمیز مردم و غمخواری برای آنان و به راز غفلت در این عالم پی برده باشد و بتواند چنان زندگی کند که هم در میان اهل غفلت باشد و هم از آنان نباشد و در چنان صراط باریکی حرکت کند و

۱- همان، ص ۴۸

۲- اردکانی: انقلاب اسلامی و وضع کنونی عالم، ج ۲، ص ۶۳

۳- سروش: رازدانی و روشنفکری و دینداری، ص ۳۳۱

نلغزد. این سخن به هیچ وجه ملازمت با آن ندارد که شخص روشنفکر متعهد به عقیده و مکتب خاصی نباشد و به اصول مقدسی ایمان نوزدد<sup>۱</sup>

با توجه به مطالب مطرح شده، روشنفکر خویشتن شناس چون برآمده از جامعه خویش است، بوم مدار است. چون در بین مردم خویش زیسته و دغدغه پاسداشت هویت دارد و ایمان خود را قرین ایمان مردمش می کند و از آنجایی که اهل تفکر و اندیشه ورزی است، عقل متعارف بشری را ملاک انتخاب خویش قرار می دهد. پس با جهان بیرون و مقتضیات زمانه هماهنگ است. با حقایق برخورد ایدئولوژیک نمی کند. زیرا حقیقت را با لذات می داند که معرفت بشر می توان فهم آن را ندارد و سرانجام اینکه آگاه و حریت خواه است و از قید هواهای نفسانی و تعصبات گوناگون رهیده و او را جمود و سکون و قشریگری کاری نیست و تسلیم خلق و منطق شده است و از سنگینی بار مسئولیت خود نیک آگاه است.<sup>۲</sup>

## ۱-۲- رونـد شکل گیری روشنفکری در ایران:

### ۱-۲-۱- پیدایش روشنفکری:

برای فهم و شناخت ماهیت و حقیقت جریان روشنفکری در ایران، پیش از هر چیز باید به فهم حقیقت روشنگری در غرب نائل آمد.

تاریخ پیدایش روشنفکری را نمی توان جدا از تاریخ بورژوازی در غرب بررسی کرد. لورژولزی پدیده ای اقتصادی مبتنی بر تولید صنعتی و تجارت است و ریشه تاریخی آن به قرون وسطی باز می گردد. در آن دوران بازرگانان و پیشه وران مایل به پذیرش سلطه اشراف زمیندار نبودند و در نتیجه منازعه بین آنان، بازرگانان و اصناف به تأسیس شهرهای خودمختار (Burgh) روی می آوردند. آرمان های شهروندان بورژوا در رشد اشکال جدیدی از سازمان های اداری و سیاسی، پیدایش ناسیونالیسم و حاکمیت ملی و مخالفت با حاکمیت کلیسا و اشراف زمیندار، بسیار تأثیر داشت.<sup>۳</sup>

وابستگی روشنفکران به طبقات جدید آنان را سخنگوی بورژوازی کرد. بدین ترتیب با نقد نظام سنتی موجود به تحکیم جامعه سرمایه داری کمک کردند و متقابلاً سرمایه داری نو، به منزلت اجتماعی روشنفکران که بالاتر از عوام و

۱- همان، ص ۲۴۵

۲- همان، ص ۱۶۸

۳- بشیریه: جامعه شناسی سیاسی، ص ۱۴۵

پائین تر از سرمایه داران اشرافی بودند احترام می گذاشت. با استقرار نظام سرمایه داری و سلطه بورژوازی آرمان های روشنفکران نیز تحقق یافتند و در روند ستیز با نهادهای کهن و کهنه فئودالیتة رویکردی ویژه با انسان گرایی نشان داده شد. از نظم و نظام کیهانی، تفسیرهایی نوین ارائه شد و در همین راستا بود که سخن از آزادی انسان به میان آمد. دفع تفسیرهای نوین از آزادی بدین گونه بود که انسان می تواند با بهره گیری از آزادی جامعه، زندگی خویش را در این جهان به گونه ای مستقل بنا نهد.<sup>۱</sup>

نگرش عقلانی به پدیده های خصلت اجتماعی یافت و گزاره ها و پیش فرض های اجتماعی، ماهیت علمی را پیدا کردند که جوهره آنها در هم تنیدگی حیثیت فردی انسان و انسانیت اجتماعی او است. بدین ترتیب شاهد شکل گیری قوام، تداوم و اعتبار روحیه روشنفکری هستیم و تقرب گسترده این دو روحیه در موقعیت اجتماعی و فرهنگی روشنفکران متبلور شده است.

از این روست که ((روشنفکران، تدریجاً و از اوایل قرن نوزدهم نقش رهبری فکری و مدیریت اجتماعی حوامع غربی را عهده دار شدند و تا امروز نیز این مقام را تا حدودی زیاد حفظ کرده اند، زیرا روشنفکران از لحاظ اجتماعی، جریان مبلغ و مروج آداب و باورهای تمدن جدید (اومانیستی) در مقابل آداب، ارزش ها و اعتقادات دینی بودند.))<sup>۲</sup> در یک کلام، ویژگی های جهان بینی روشنگری را می توان اینگونه فهرست کرد:

۱- اصالت عقل و فهم بشر در برابر وحی الهی

۲- اصل توسعه

۳- روش شناسی تجربی

۴- پیدایش مفهوم جدید طبیعت (تعبیر ریاضی و کمیت طبیعت) که با جهان نگری، روشنفکری آرا و مبانی فلسفی

اومانیستی در قالب مکتب ها، نظام ها و ایدئولوژی های حقوقی، اجتماعی و سیاسی بسط و گسترش یافت و عقل

تکنیکی بشر جدید، قالب ها و صورت های مناسب اجتماعی و حقوقی پیدا کرد.<sup>۳</sup>

۱- حائری: آزادی های سیاسی و اجتماعی از دیدگاه-اندیشه گران، ج ۱، ص ۶۸

۲- زرشناس: تأملاتی درباره جریان روشنفکری در ایران، ص ۱۴

۳- همان منبع، ص ۱۹